



University of Tehran Press

## Private Law

Home Page: <https://jolt.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-6209

# Evaluation of United Kingdom Judicial Precedent with regard to Implementation of Contractual Obligations Affected by Third Countries or Institutions' sanctions

Saeid Baghban Kondori<sup>1\*</sup> | Seyed Hossein Sadat Meidani<sup>2</sup>

1. Corresponding Author, Department of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [s.bk@dr.com](mailto:s.bk@dr.com)

2. School of International Relations of Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran. Email: [h.sadatmeidani@sir.ac.ir](mailto:h.sadatmeidani@sir.ac.ir)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Article

**Article History:**  
Received March 13, 2023  
Revised May 19, 2023  
Accepted May 21, 2023  
Published online 16 October 2023

**Keywords:**  
*Contract*  
*Dispute*  
*National court*  
*Sanction*  
*United Kingdom.*

### ABSTRACT

The increase of sanctions during the last two decades, especially unilateral sanctions, has created numerous legal issues, especially in contractual disputes before national courts. This question is raised, what effect do sanctions imposed by the country or an institution other than the country where the court is located have on the applicable laws and contractual obligations raised in the process of dealing with contractual disputes before that court? It is clear that the court located in the sanctioning country take into consideration the sanctions imposed by that country. In such a case and in case of conflict of sanctions with the rights and obligations of the litigants, the court will adhere to those sanctions in its final ruling. Now, can this court consider the sanctions imposed by third countries and institutions in the process of describing, interpreting and applying legal and contractual obligations? Therefore, in this article, the judicial practice of the UK's courts in facing the issue of sanctions with foreign origin was evaluated. Finally, it became clear that legal procedure in this field in Britain is not unified; In some cases, the court ruled based on considerations related to UK foreign policy, and the sanctions of the third government were given effect, but in other cases, the sanctions were not given effect regardless of these considerations.

**Cite this article:** Baghban Kondori, S. & Sadat Meidani, H. (2023). Evaluation of UK jurisprudence regarding the implementation of contractual obligations affected by third countries and individuals sanctions. *Private Law*.20 (1), 153-165. DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.357068.1007188>



© Saeid Baghban Kondori, Seyed Hossein Sadat Meidani

**Publisher:** University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.357068.1007188>



## ارزیابی رویه قضایی بریتانیا در حوزه اجرای تعهدات قراردادی متأثر از تحریم کشورها و نهادهای ثالث

سعید باغبان کندی<sup>۱\*</sup> | سید حسین سادات میدانی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [s.bk@dr.com](mailto:s.bk@dr.com)

۲. دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران. رایانامه: [h.sadatmeidani@sir.ac.ir](mailto:h.sadatmeidani@sir.ac.ir)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

#### نوع مقاله:

پژوهشی

#### تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴

#### کلیدواژه:

اختلاف،

بریتانیا،

تحریم،

دادگاه ملی،

قرارداد.

افزایش تحریم‌ها طی دو دهه اخیر، به‌ویژه تحریم‌های یک‌جانبه، مسائل حقوقی متعددی، به‌طور خاص در اختلافات قراردادی مطروحه نزد دادگاه‌های ملی ایجاد کرده است. این سؤال مطرح است که تحریم‌های وضع‌شده توسط کشور یا نهادی به‌جز کشور محل استقرار دادگاه چه تأثیری بر قوانین قابل اعمال و تعهدات قراردادی مطروحه در فرایند رسیدگی به اختلافات قراردادی نزد آن دادگاه دارند؟ پر واضح است که دادگاهی که در کشور واضح تحریم مستقر است به تحریم‌های وضع‌شده توسط آن کشور توجه می‌کند. در چنین حالتی و در صورت تعارض تحریم‌ها با حقوق و تعهدات اصحاب دعوا، دادگاه در حکم نهایی خود به آن تحریم‌ها پایبند خواهد بود. حال آیا این دادگاه می‌تواند به تحریم‌های وضع‌شده از سوی کشورها و نهادهای ثالث در فرایند توصیف، تفسیر، و اعمال تعهدات قانونی و قراردادی و نهایتاً صدور حکم ترتیب اثر دهد؟ در این مقاله رویه دادگاه‌های بریتانیا در مواجهه با موضوع تحریم‌ها با منشأ خارجی ارزیابی شد. در نهایت مشخص شد در بریتانیا رویه قضایی واحد در این زمینه وجود ندارد. در برخی موارد حکم بر اساس ملاحظات مربوط به سیاست خارجی بریتانیا صادر شده است و به تحریم‌های دولت ثالث ترتیب اثر داده شده؛ اما در سایر قضایا بدون توجه به این ملاحظات به تحریم‌ها ترتیب اثر داده نشده است.

استناد: باغبان کندی، سعید و سادات میدانی، سیدحسین (۱۴۰۲). ارزیابی رویه قضایی بریتانیا در حوزه اجرای تعهدات قراردادی متأثر از تحریم کشورها و نهادهای ثالث، حقوق خصوصی، ۲۰ (۱) ۱۵۳-۱۶۵.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.357068.1007188>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© سعید باغبان کندی، سید حسین سادات میدانی

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.357068.1007188>



## مقدمه

طی دو دهه اخیر، اعمال تحریم از سوی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی افزایش یافته است (Gabriel Felbermayr, 2021). در کنار مباحث سیاسی، مسائل حقوقی زیادی نیز مطرح شده‌اند؛ از جمله اینکه تحریم چه تأثیری بر اجرای تعهدات قراردادی و تجاری دارد (Azaredo, 2014; Szabados, 2020; Beaucillon, 2021). مشخص است که تحریم بر اجرای تعهدات قراردادی و تجاری اشخاص تأثیر می‌گذارد و اگر ابعاد مختلف تحریم در قرارداد منعقد شده تعیین تکلیف نشود، بی‌تردید، می‌تواند موجب مختل شدن اجرای تعهدات قراردادی و تجاری شود. از این رو، طی سال‌های اخیر درج قیدی تحت عنوان قید تحریم در قراردادها رشد کرده است. بنابراین، بازیگران عرصه قراردادهای شامل اصحاب قرارداد و دادگاه‌ها، باید از تأثیر تحریم بر ترتیبات حقوق خصوصی و چگونگی مواجهه با آن‌ها آگاه باشند. در این زمینه تفکیک بین نظام‌های مختلف حقوقی، اعم از داخلی و خارجی، و متعاقباً شناسایی ماهیت تحریم‌های واجد اثر در یک قرارداد مهم است. مثلاً وقتی پای قراردادی در میان باشد که ذیل قوانین یکی از دولت‌های عضو اتحادیه اروپا منعقد شده است، رویکرد دادگاه‌های مستقر در آن کشور در مواجهه با تحریم‌های وضع شده توسط ایالات متحده<sup>۱</sup> یا اتحادیه اروپا متفاوت از رویکرد دادگاه‌های آن دولت در مواجهه با تحریم‌های داخلی خود در ارتباط با آن قرارداد خواهد بود.

رویکرد دادگاه‌های بریتانیا در این زمینه مهم است. چون دعوی متعددی در این زمینه نزد دادگاه‌های بریتانیا مطرح شده‌اند و شماری از آن‌ها به طرفیت شخص ایرانی بوده است. باید گفت قراردادهایی که ذیل حقوق بریتانیا منعقد می‌شوند نیز می‌توانند تحت تأثیر تحریم‌هایی قرار گیرند که خارج از بریتانیا و توسط دولت‌ها یا نهادهای ثالث وضع می‌شوند. پس از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، دادگاه‌های بریتانیا به تحریم‌های اتحادیه اروپا به چشم تحریم‌های خارجی می‌نگرند.

از این رو در این پژوهش ابتدا تأثیر منشأ تحریم بر رویکرد دادگاه‌ها در فرایند رسیدگی به اختلاف قراردادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس قابلیت اعمال تحریم با منشأ خارجی در اختلافات قراردادی ارزیابی می‌شود. در نهایت، رویه قضایی بریتانیا در این خصوص تحلیل می‌شود. در این پژوهش صرفاً رویه قضایی بریتانیا بررسی شده است و با توجه به اینکه قبلاً پژوهش‌هایی به صورت مستقل حقوق داخلی ایران را در چارچوب این موضوع بررسی کرده‌اند نویسندگان از ورود به آن اجتناب ورزیده‌اند. با این حال، برخی از پرونده‌هایی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند به طرفیت شخص ایرانی بوده است و از این حیث می‌تواند برای آگاهی جامعه حقوقی ایران ارزشمند باشد.

۱. اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۶ در پاسخ به اعمال فراسرزمینی تحریم‌های ایالات متحده آیین‌نامه ۲۲۷۱/۹۶ را، که با عنوان «آیین‌نامه اسناد» شناخته می‌شود، تصویب کرد. این قانون اشخاص اروپایی را از پایبندی به تحریم‌های فراسرزمینی ایالات متحده منع می‌کند و به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا خسارات ناشی از این تحریم‌ها را از شخصی که مسبب آن بوده است جبران کند و تأثیر تصمیمات دادگاه‌های خارجی را در اتحادیه اروپا بی‌اثر سازد. در تاریخ ۸ مه ۲۰۱۸ پس از خروج ایالات متحده از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، اتحادیه اروپا اعلام کرد که آیین‌نامه اسناد را با به‌روزرسانی فهرست تحریم‌های ایالات متحده بر ایران، که در دامنه آن آیین‌نامه قرار می‌گیرد، مجدد فعال خواهد کرد. بنابراین در تاریخ ۷ اوت ۲۰۱۸ اتحادیه اروپا این آیین‌نامه را به‌روزرسانی کرد تا از این طریق تحریم‌های اعمالی بر کشورهایی که با ایران معامله می‌کنند را بی‌اثر کند. فرایند به‌روزرسانی آیین‌نامه اسناد با اضافه شدن تحریم‌های فراسرزمینی ایالات متحده که علیه ایران مجدداً وضع شده بود در تاریخ ۶ ژوئن ۲۰۱۸ آغاز شد. کمیسیون اروپا اعلام کرد که «ما مصمم هستیم تا از متصدیان اقتصاد اروپا که در تجارت مشروع با ایران فعالیت می‌کنند، بر اساس حقوق اتحادیه اروپا و بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، حفاظت کنیم». آیین‌نامه اسناد ۲۰۱۸ اساساً شرکت‌ها را از پایبندی مستقیم و غیر مستقیم به قوانین مقرر در ضمیمه تحریم‌های ایالات متحده منع می‌کند (Craig, Ashley W. Beck, Jochen; Ruessmann, Laurent. ).  
 ("International Firms Caught Between U.S. Iran Sanctions and EU Blocking Statute". Lexology. Retrieved 2 September 2018).  
 وفق این آیین‌نامه، احکام صادره دادگاه‌ها مبنی بر مجازات نقض ایالات متحده توسط نهادهای اتحادیه اروپا شناسایی نمی‌شود. در این زمینه، جهت انجام دادن امور تسویه معاملات میان این شرکت‌ها با طرف ایرانی، مقرر شد یک کانال ویژه مالی ایجاد شود تا از این طریق تحریم‌های ایالات متحده دور زده شود. نهایتاً یک سازکار با عنوان «سامانه حمایت از مبادلات تجاری» (Instrument in Support of Trade Exchanges) ایجاد شد. در ۳۱ مارس ۲۰۲۰ دولت آلمان اعلام کرد که نخستین تراکنش خود را از طریق اینستکس برای رساندن کمک‌های پزشکی به مبتلایان بیماری کوئید ۱۹ انجام داده است. با وجود این، این سامانه در عمل کارایی چشمگیری ندارد. چون بیشتر به مثابه ابزاری سیاسی مورد استفاده طرف اروپایی قرار می‌گیرد و محدود به برخی معاملات، از جمله کمک‌های بشردوستانه، است و تا امروز (ابتدای سال ۲۰۲۱) اقلامی همچون نفت از این طریق به فروش نرفته است. با این حال ماهیت تحریم‌های آمریکا از سال ۲۰۱۰ به گونه‌ای تغییر کرده که نادیده گرفتن آن‌ها برای شرکت‌های اروپایی دیگر به‌سادگی سال ۱۹۹۶ نیست. در این زمینه والدیس دمبروسکیس، معاون کمیسیون اروپا در پارلمان اروپا، اظهار داشت: «با توجه به ذات سیستم بانکداری بین‌المللی، قانون اسناد می‌تواند اثری محدود داشته باشد. زیرا بسیاری از بانک‌ها از سیستم مالی آمریکا و واحد پول دلار برای تراکنش‌های خود استفاده می‌کنند.»

## قابلیت اعمال تحریم‌ها با منشأ خارجی در اختلافات قراردادی

پیش از بررسی آثار تحریم‌ها بر قراردادهای در چارچوب رویه قضایی بریتانیا، لازم است مشخص شود در چه شرایطی دادگاه‌ها می‌توانند در فرایند رسیدگی و صدور احکام به تحریم‌ها ترتیب اثر بدهند. در وهله نخست باید تعیین کرد که میان قانون کشور وضع‌کننده تحریم و قانون حاکم بر قرارداد چه رابطه‌ای وجود دارد (Azaredo, 2014: 106-126). این رابطه چهار حالت دارد: نخست، تحریم می‌تواند به عنوان بخشی از «قانون ماهوی»<sup>۱</sup> قابل اعمال باشد یا به بیان دیگر تحریم توسط دولت مقرر دادگاه وضع شده باشد؛ دوم، تحریم می‌تواند توسط دولت مقرر دادگاه یا داوری وضع نشده باشد، اما بر اساس قانون کشور مقرر دادگاه یا داوری<sup>۲</sup> الزام‌آور باشد و در نتیجه دادگاه ملزم به ترتیب اثر دادن به آن شود؛ سوم، تحریم می‌تواند توسط کشوری که قرار است تعهدات قراردادی در آن اجرا شود وضع شده باشد؛ چهارم، تحریم هیچ‌یک از سه ویژگی یادشده را نداشته باشد، اما همچنان با اختلاف مطروحه نزد دادگاه مرتبط باشد.

اگر در یک اختلاف قراردادی دادگاه «رویکرد مبتنی بر داده‌های پرونده» اتخاذ کند و تحریم‌ها را صرفاً «وقایعی پیرامون» پرونده در نظر بگیرد، موضوعات متعاقب مطرح نخواهند شد. اما اگر دادگاه «رویکرد مبتنی بر هنجارهای قانونی» را برگزیند باید بررسی‌های بیشتری انجام دهد. نقطه شروع مهم برای این نوع بررسی (مبتنی بر قانون) شناسایی یک تحریم یک‌جانبه به منزله یک «قاعده امری» است. تقریباً می‌توان گفت ماهیت تحریم یک‌جانبه امری است. با توجه به جایگاه رفیعی که اهداف سیاست خارجی دولت واضع تحریم دارد، می‌توان گفت این نوع تحریم‌ها نسبت به دیگر قواعد امری جایگاه بالاتری دارند و دادگاه می‌تواند، با صرف نظر کردن از قوانین حاکم بر معاملات، آن تحریم‌ها را در فرایند دادرسی اعمال کند. با این حال، در سطح بین‌المللی تعریف واحد از قواعد امری از این قسم و متعاقباً پیامدهای این نوع قواعد ارائه نشده است که در خصوص آن اجماع وجود داشته باشد. با وجود این، در بریتانیا پیش از لازم‌الاجرا شدن آیین‌نامه<sup>۳</sup> رم این قواعد امری به منزله نظم عمومی<sup>۴</sup> بریتانیا تلقی می‌شدند.

## جایگاه نظم عمومی در حقوق بریتانیا

پیش از لازم‌الاجرا شدن آیین‌نامه<sup>۴</sup> رم، قواعد امری مرجع خارجی در نظام حقوقی بریتانیا مسیر تکاملی خود را طی می‌کردند. تا لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون و آیین‌نامه<sup>۳</sup> رم، دادگاه‌های بریتانیا در قضایای مختلف یا قواعد حقوقی بریتانیا را اعمال می‌کردند یا بر اساس کامن‌لا در فرایند رسیدگی به اختلافات به قواعد خارجی، که امروزه به آن قواعد امری مرجع گفته می‌شود، ترتیب اثر می‌دادند. در حقوق خصوصی بریتانیا پیش از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون رم، برخلاف حقوق بین‌الملل خصوصی اروپا، تفکیکی میان تحفظ مربوط به نظم عمومی<sup>۵</sup> و قواعد امری مرجع قائل نمی‌شدند (Harris, 2009: 297) و هر دو مفهوم یادشده تحت عنوان «نظم عمومی» در نظر گرفته می‌شدند (Harris, 2009: 297-298).

مفهوم نظم عمومی در حقوق کامن‌لا از دو منظر مورد توجه قرار می‌گیرد (Chong, 2006: 30). به طور سنتی، ذیل حقوق بریتانیا، دادگاه‌های بریتانیا از نظم عمومی جهت جلوگیری از اعمال قانون خارجی و در مقابل اعمال قواعد امری مرجع بین‌المللی بریتانیا استفاده می‌کردند (Graveson, 1974: 163-164). بنابراین نظم عمومی ذیل قانون بریتانیا هم کاربرد منفی و هم کاربرد مثبت دارد.

نخست اینکه در چارچوب نظم عمومی اروپا این استثنا وجود دارد که می‌توان با استناد به نظم عمومی دولت مقرر دادگاه قانون خارجی را اعمال نکرد. بر اساس قواعد تعارض قوانین بریتانیا، اگر اجرا یا شناسایی یک حق یا یک رابطه حقوقی از جمله یک قرارداد که منشأ آن قانون یک دولت خارجی باشد و منجر به نقض نظم عمومی بنیادین بریتانیا شود دادگاه بریتانیا آن حق یا

1. substantive law  
2. lex fori  
3. public policy  
4. rome I regulation

آیین‌نامه<sup>۳</sup> رم جهت انتخاب قانون حاکم بر قراردادهایی اعمال می‌شود که توسط دولت‌های عضو اتحادیه اروپا، غیر دانمارک، پس از ۱۷ دسامبر ۲۰۰۹ منعقد شده‌اند.

5. public order

رابطه را اجرا یا شناسایی نمی‌کند (Collins, 2012: 1871-1877). در این خصوص می‌توان به قضیه Kuwait اشاره کرد که در آن خطوط هوایی کویت نزد مجلس اعیان<sup>۱</sup> بریتانیا استدلال کرد که با هدف صیانت از نظم عمومی بریتانیا نباید به قانون کشور عراق توجه شود (Kuwait, 2002). مجلس اعیان نظم عمومی بریتانیا را در نظر گرفت و به قطعنامه مصوب عراق ترتیب اثر نداد. چون از نظر این مجلس اقدامات عراق نقض حقوق بین‌الملل و توسط جامعه جهانی محکوم بود.

هرچند هنجارهای امری مرجح ذیل نظم عمومی قرار می‌گرفتند، مفهوم هنجارهای امری مرجح در حقوق بین‌الملل خصوصی بریتانیا مورد استفاده قرار نگرفت (Harris, 2009: 298). در آن قضیه نه تنها نظم عمومی امکان کنار گذاشتن قانون خارجی نامطلوب را فراهم کرد، بلکه مجلس اعیان می‌توانست، با استناد به نظم عمومی، قانون مقر دادگاه، از جمله قواعد امری مرجح بریتانیا، را حتی اگر در حالات دیگر قابل اعمال نبودند اعمال کند (Stone, 2014: 340; Hartley, 2006: 193). در این خصوص در قضیه Ertel هرچند قانون آلمان بر اختلاف حاکم بود، با استناد به نظم عمومی، قوانین بریتانیا در حوزه تجارت با دشمن اعمال شدند. در این قضیه، قاضی پرونده اعلام کرد که نمی‌توان قراردادی منعقد کرد و صراحتاً یا تلویحاً در آن قید کرد که قانون خارجی بر آن قرارداد حاکم است و هم‌زمان قانون بریتانیا صلاحیت خود را در قبال آن از دست بدهد (Ertel, 1918: 302). این موضوع بعد مثبت کاربرد نظم عمومی را نشان می‌دهد (Collins, 2012: 1860). همچنین در رویه قضایی بریتانیا می‌توان مثال‌های دیگری را در این زمینه مشاهده کرد (Boissevain, 1950: 434-444). بنابراین، وقتی دادگاه بریتانیایی در فرایند دادرسی از اعمال قانون خارجی خودداری کرد یا وقتی قواعد امری مرجح بریتانیا را در این فرایند اعمال کرد نظم عمومی مبنایی برای اجرای قواعد و ارزش‌های بنیادین قانون بریتانیا شد.

شایان گفتن است که دادگاه بریتانیایی در دو حالت قواعد امری مرجح یا تحریم‌های اقتصادی خارجی را قابل اعمال یا ترتیب اثر دادن می‌داند؛ نخست به عنوان بخشی از قانون مناسب قرارداد<sup>۲</sup> و دوم به عنوان قانون محل اجرای قرارداد<sup>۳</sup> وقتی قوانین خارجی مقرر می‌کنند که اجرای قرارداد در محل اجرای قرارداد غیر قانونی است. دادگاه بریتانیایی هنجارهای امری مرجح خارجی یا تحریم‌های اقتصادی خارجی را، که در هیچ‌یک از دو حالت فوق قرار نمی‌گیرند، در فرایند دادرسی و صدور حکم مردود می‌داند (Kelinwort, 1939: 678).

### قواعد امری مرجح و قانون مناسب قرارداد نزد دادگاه‌های بریتانیا

عمده اعتبار هر قراردادی از طریق قانون حاکم بر آن قرارداد یا همان قانون مناسب قرارداد مشخص می‌شود (Collins, 2012: 1846-1847). اگر قانون بریتانیا بر قراردادی حاکم باشد، بدون شک مبنایی برای اعمال قواعد امری مرجح مقرر توسط دادگاه بریتانیایی ذیل قانون بریتانیا خواهد بود. حال اگر قواعد امری مرجح قانون خارجی نیز بخشی از قانون حاکم بر قرارداد باشند توسط دادگاه بریتانیا به همان میزان اعمال می‌شوند (Kahler, 1950: 42; Nylon, 1955: 37; Bondholders, 1937: 500). از نظر برخی مفسران این یک «اصل کلی تعارض قوانین» است (Collins, 2012: 1840). از نظر برخی دیگر دلیلی ندارد که دادگاه بریتانیایی به قواعد مربوط به نظم عمومی، که بخشی از قانون قابل اعمال بر دعوا است، ترتیب اثر ندهد (Briggs, 2013). این رویکرد توسط دادگاه‌های بریتانیا در مورد تحریم‌های اقتصادی نیز اعمال می‌شود (Lowe, 1988: 194-195) و می‌توان گفت که دادگاه‌های بریتانیایی هنجارهای حقوق عمومی قانون خارجی حاکم بر قرارداد را نیز در فرایند رسیدگی اعمال می‌کنند.

هرچند به طور سنتی در قانون بریتانیا تفکیکی میان حقوق عمومی و خصوصی وجود ندارد، در حوزه‌های کیفری، مالیاتی، و اداری اصولاً قوانین خارجی، شامل قوانین حقوق عمومی خارجی، در فرایند رسیدگی توسط دادگاه‌های بریتانیا اعمال نمی‌شوند. این رویکرد در خصوص اعمال تحریم‌های اقتصادی خارجی اهمیت دارد. البته به نظر می‌رسد که اعمال حقوق عمومی خارجی به طور کلی توسط دادگاه‌های بریتانیا از دامنه قانون حاکم بر قرارداد کنار گذاشته نمی‌شود. مثلاً دادگاه بریتانیایی در قضیه Ortiz

۱. «مجلس اعیان» (House of Lords) بالاترین دادگاه در بریتانیا و دادگاه عالی استیناف است. این نهاد قضایی به منزله آخرین دادخواهی در مورد پرونده‌های مدنی بریتانیا و پرونده‌های کیفری انگلستان و ولز و ایرلند شمالی عمل می‌کند. تصمیم این دادگاه برای همه دادگاه‌های پایین‌تر لازم‌الاتباع است.

2. proper law of the contract

3. law of the place of performance

بر این نظر بود که نمی‌توان نتیجه گرفت حقوق عمومی خارجی به طور کلی در فرایند رسیدگی غیر قابل اعمال است (Ortiz, 1982: 349). چنین رویکردی در رأی دادگاه عالی بریتانیا نیز دیده می‌شود که در آن رأی قوانین ارزی کشور آلمان توسط دادگاه به منزله بخشی از قانون حاکم بر قرارداد، یعنی قانون آلمان، بر یک قرارداد وام اعمال شد (Helbert, 1956: 323). شایان گفتن است که عدم اعمال حقوق عمومی خارجی در یک قضیه توسط دادگاه بستگی به پاسخ این پرسش دارد که آیا شرایط اقتضا می‌کند که با استناد به نظم عمومی بریتانیا یک هنجار حقوق عمومی خارجی اعمال نشود (-Kuckein, 2008: 207; Ortiz, 1982: 371; 208). البته باید تأکید کرد که حتی این رویکرد مضیق مبنی بر خودداری دادگاه از اعمال حقوق عمومی خارجی در یک قضیه مانع از این نمی‌شود که دادگاه به طور کلی در سطح قانون ماهوی به آن‌ها توجه نکند.

### غیر قانونی شدن قرارداد وفق قانون محل اجرای قرارداد

قواعد امری مرجح، جز آن‌هایی که مربوط به «قانون مناسب قرارداد» هستند، توسط دادگاه‌های بریتانیا قابل اعمال نیستند.<sup>۱</sup> با این حال، در صورت غیر قانونی شدن اجرای قرارداد دادگاه می‌تواند در فرایند رسیدگی به طور استثنائی این قواعد را مورد توجه خود قرار دهد. ارزیابی اینکه یک قرارداد غیر قانونی شده است یا خیر نخست با توجه به قانون کشور مقر دادگاه (Hartley, 1998: 387-388) و سپس قانون مناسب قرارداد (Hartley, 1998: 387) انجام می‌شود. غیر قانونی شدن قرارداد بر اساس قوانین خارجی فقط زمانی مد نظر دادگاه بریتانیایی قرار می‌گیرد که اجرای آن قرارداد ذیل قواعد محل اجرا غیر قانونی باشد. متعاقباً اگر یک قرارداد یا بخشی از مفاد آن ذیل قانون محل اجرای قرارداد غیر قانونی باشد، آن قرارداد نامعتبر و غیر قابل اجرا است. در این خصوص دادگاه بریتانیایی در قضیه Euro-Diam بر آن بود که تعارض قواعد هم‌پوشان در مورد موضوع غیر قانونی شدن قرارداد، شامل سه عنصر قانون دولت مقر دادگاه، قانون مناسب، و قانون محل اجرای قرارداد است (Bathurst, 1987: 125).

تا ابتدای سال ۲۰۲۳ دادگاه‌های بریتانیا غیر قانونی بودن قرارداد را ذیل قانون محل اجرای قرارداد با توجه به سه رأی دادگاه بدوی مورد ارزیابی قرار داده‌اند که در ادامه بررسی می‌شوند. این سه رأی نشان می‌دهد ذیل قانون کامن‌لا بریتانیا امکان اعمال قانون دولت محل اجرای قرارداد، که در آنجا قرارداد غیر قانونی شناسایی شده، دارد. این سه رأی مسیر را برای اعمال تحریم‌های اقتصادی خارجی نیز هموار می‌کند.

### قضیه Ralli

در قضیه Ralli همه قضات به نسخه دوم «قواعد تعارض Dicey» استناد کردند. بر اساس آن قواعد، قرارداد تا جایی که اجرای آن از نظر قانون کشور محل اجرای قرارداد غیر قانونی باشد به طور کلی نامعتبر است (Dicey, 1908: 553). دادگاه اعلام کرد اگر این مورد توسط قانون محل اجرای قرارداد غیر قانونی دانسته شده باشد، شرکت چارترکننده را نمی‌توان ملزم به پرداخت مربوط به حمل کالا بیش از حداکثر مشخص شده توسط قانون اسپانیا کرد.

تفسیرهای متفاوتی از رأی صادره در قضیه Ralli ارائه شده است. برخی نویسندگان این رأی را یک هنجار خاص در مورد حل تعارض قوانین می‌دانند که اعتبار و قابلیت اجرای یک قرارداد را منوط به بررسی قانون محل انعقاد قرارداد<sup>۲</sup> و قانون محل اجرای قرارداد می‌کند؛ در حالی که دیگران بر آن‌اند که بری‌الذمه شدن یا تعلیق تعهدات قراردادی به دلیل غیر قانونی شدن ناگهانی ذیل قانون محل اجرای قرارداد یک قاعده مربوط به قانون ماهوی قراردادی بریتانیا است (Mann, 1937: 110-113; Collins, 2012: 1840; James, 2008: 117). در آن رأی رویکرد مبتنی بر قانون ماهوی به شرط ضمنی آن رأی گره خورده بود؛ در حالی که ماهیت تعارض قوانین این قاعده به «تزاکت بین‌المللی»<sup>۳</sup> مربوط می‌شد (Kinsch, 1994: 39-40). در آن

1. Kleinwort, Sons and Company v Ungarische Baumwolle Industrie Aktiengesellschaft and Another [1939] 2 KB 678.  
2. lex contractus  
3. international comity

قضیه قانون حاکم قانون بریتانیا بود و این سؤال مطرح بود که اگر قانون قابل اعمال قانون خارجی باشد و قرارداد در کشوری غیر از بریتانیا اجرا شود، چه اتفاقی خواهد افتاد.

به طور کلی بر اساس رویکرد قانون ماهوی غیر قانونی بودن یک قرارداد ذیل قانون خارجی صرفاً یک واقعیت است که باید توسط دادگاه بریتانیایی در فرایند رسیدگی مورد توجه قرار بگیرد و دادگاه ملزم به اعمال آن نیست؛ در صورتی که دادگاه به این جمع‌بندی برسد می‌تواند انتفای قرارداد و بری‌الذمه شدن طرف‌ها از تعهدات قراردادی یا تعلیق قرارداد بر اثر غیر قانونی شدن ناگهانی قرارداد را اعلام کند. با این حال، در حقوق قراردادی بریتانیا چنین قاعده‌ای صرفاً در صورتی اعمال می‌شود که قانون بریتانیا قانون حاکم بر قرارداد باشد. در نتیجه این امکان وجود دارد که قراردادهایی که قانون خارجی بر آن‌ها حاکم است نزد دادگاه‌های انگلیسی قابل اجرا و معتبر باشند؛ حتی اگر اجرای آن‌ها ذیل قانون محل اجرای قرارداد غیر قانونی باشند.

در این زمینه، در رویه قضایی بریتانیا رویکرد مبتنی بر قانون ماهوی نیز مورد تأیید قرار گرفت (Bankers, 1989: 749). حالت دیگر مربوط به غیر قانونی بودن قرارداد ذیل قانون محل اجرای قرارداد است که در چنین حالتی دادگاه با آن به عنوان قاعده تعارض قوانین بریتانیا برخورد می‌کند که متعاقباً امکان اعمال قوانین محل اجرای قرارداد را فراهم می‌کند؛ البته به شرط اینکه از منظر آن مقررات اجرای قرارداد غیر قانونی باشد. برخی از آرای دادگاه‌های بریتانیا مؤید این رویکرد هستند (Kinsch, 1994: 41; Zinovstenska, 1950: 79). مثلاً در قضیه Ralli دادگاه اعمال مستقیم قانون اسپانیا مبنی بر حداکثری کردن قیمت به عنوان هنجار امری مرجح محل اجرای قرارداد را مجاز دانست (Harris, 2009: 304).

### قضیه Foster

در قضیه Foster، هر چند قانون بریتانیا بر این قرارداد حاکم بود، قرارداد نزد دادگاه بریتانیایی باطل و غیر قابل اجرا تشخیص داده شد. در این قضیه اکثریت قضات اعلام کردند که هدف قرارداد مغایر با نظم عمومی بریتانیا در زمینه رعایت نزاکت بین‌المللی است. دادگاه پیش‌تر بارها اشاره کرده بود که «یک قرارداد ذیل قوانین بریتانیا اگر غیر قانونی باشد و هدف واقعی و قصد طرف‌های آن قرارداد طرف‌ها را ملزم به شرکت در تلاشی برای انجام دادن اقداماتی در یک کشور خارجی دوست کند که آن اقدامات از منظر قانون چنین کشوری (کشور خارجی دوست) غیر قانونی تلقی شود، باید نامعتبر اعلام شود؛ حتی اگر در برخی موارد، حالات، یا مکان اجرای دیگر اجرای قانونی قرارداد مجاز باشد» (Foster, 1929: 521-522). برخی با این موضع مخالفت کردند. مخالفان بر آن بودند که اجرای قرارداد، بدون نقض قانون ایالات متحده، ممکن بوده است. در واقع دادگاه استیناف به آثار آن رأی از منظر سیاست خارجی توجه کرده بود. یکی از قضات به نزاکت بین‌المللی و ملاحظات مربوط به سیاست خارجی این‌گونه اشاره کرد: «من به‌صراحت بر این باورم که شراکت شکل‌گرفته با هدف اصلی منتفع شدن از ارتکاب جرایم کیفری در یک کشور خارجی دوست غیر قانونی است، حتی اگر طرف‌ها موفق به مشارکت نشده باشند و این جرایم کیفری در واقع ارتکاب نیافته باشند» (Foster, 1929: 510).

### قضیه Regazzoni

در قضیه Regazzoni نیز دادگاه مانند قضایای پیشین ملاحظات مربوط به سیاست خارجی بریتانیا را در فرایند رسیدگی مورد توجه قرار داد. قضیه Regazzoni بسیار مهم است. چون موضوع تحریم اقتصادی وضع‌شده توسط یک کشور خارجی در آن مطرح بود.

در این قضیه طرف‌ها توافق کردند که فروشنده کیسه‌های کنف هندی را از هند به جنوا ارسال کند. با این حال، واضح بود که قصد طرف‌های قرارداد فروش مجدد این اقلام به افریقای جنوبی بوده است (Regazzoni, 1958). در آن زمان دولت هند برای مبارزه با رژیم آپارتاید صادرات کنف هندی از هند به افریقای جنوبی را ممنوع کرده بود. طرف‌های قرارداد از این ممنوعیت آگاه بودند. از آنجا که در افریقای جنوبی برای این کالا تقاضای بالایی وجود داشت، با دور زدن این ممنوعیت، عایدات قابل توجهی نصیب خریدار می‌شد. بنابراین طرف‌های قرارداد قصد دور زدن ممنوعیت هند را داشتند. در این میان فروشنده از عمل به تعهدات خود استنکاف کرد و خریدار درخواست جبران خسارت کرد. قانون حاکم بر این قرارداد قانون بریتانیا بود. اما

اجرای قرارداد ذیل قانون دولت هند غیر قانونی محسوب می‌شد. با وجود اینکه محل نهایی اجرای قرارداد ایتالیا بود، فروشنده ادعا می‌کرد که نمی‌توانسته بدون انجام دادن یک اقدام غیر قانونی در هند قرارداد را اجرا کند. مجلس اعیان به اتفاق آرا این ادعا را رد کرد و مقرر کرد اگر اجرای قرارداد مشتمل بر انجام دادن اقدامی ناقض قانون دولت خارجی دوست باشد، دادگاه انگلیسی آن قرارداد را اجرا یا به دلیل نقض آن قرار پرداخت خسارت صادر نمی‌کند. در واقع استناد به این اصل از سوی مجلس اعیان با ابتنا بر نظم عمومی و نزاکت بین‌المللی بود (Regazzoni, 1958: 302).

بر اساس نظم عمومی اگر قراردادها قانون بریتانیا را نقض کنند باطل اعلام می‌شوند. بنابراین نظم عمومی برخی از قراردادهایی را که با قانون خارجی مغایرت دارند را نیز باطل می‌کند. چون اقتضای نظم عمومی آن است که به نزاکت بین‌المللی تمکین شود (Regazzoni, 1958: 319). چون رأی مجلس در وهله نخست بر مبنای توجیهات مربوط به نظم عمومی صادر شد، باید به چگونگی استدلال‌ات مطروحه در این رأی در خصوص نظم عمومی نیز توجه کرد. برخی از قضات تأکید کردند که این رأی ربطی به ملاحظات سیاسی ندارد و صرفاً به علت غیر قانونی بودن قرارداد ذیل قانون هند صادر شده است. یکی از قضات بر این نظر بود که «امکان ندارد دادگاهی در این کشور در مورد درستی و غلطی جدال‌های فی ما بین دو کشور دوست قضاوت کند. ما نمی‌توانیم انگیزه‌ها یا توجیهات دولت‌های دیگر را در این زمینه‌ها قضاوت کنیم و اگر چنین کاری کنیم پیامدهای آن می‌تواند به طور جدی روابط بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دهد. با در نظر داشتن قانون هند که بر اساس آن قرارداد مشتمل بر نقض قانون در قلمرو هند غیر قابل اجرا است، ما در تأیید و رد آن هیچ اظهار نظری نمی‌کنیم» (Regazzoni, 1958: 326). مجلس اعیان در آن قضیه مجبور به صدور رأیی بود که روابط بین‌المللی میان دو دولت دوست را تحت تأثیر قرار می‌داد (Mann, 1958: 183). به بیان دیگر ترتیب اثر دادن به محدودیت‌های تجاری هند متضمن تجاوز به منافع افریقای جنوبی بود که همچون دولت هند با دولت بریتانیا روابط خوبی داشت. این در حالی بود که بی‌توجهی به قواعد هندوستان نیز تجاوز به منافع این دولت تلقی می‌شد. با وجود این، نه به دلیل ارتباط قضیه به قانون کشور خارجی که معمولاً در حقوق بین‌الملل خصوصی مورد توجه قرار می‌گیرد، بلکه به سبب ملاحظات سیاسی یا سیاست خارجی به قانون هندوستان ترتیب اثر داده شد (Kunda, 2007: 85).

### تفسیر قضایای Foster و Regazzoni

همان‌طور که بیان شد در دو قضیه Foster و Regazzoni قانون حاکم بر قرارداد قانون بریتانیا بود. اما تفسیرهای مختلفی در مورد دو رأی صادره در قضایای Foster و Regazzoni ارائه شد. بنابراین، همچون قضیه Ralli، نخست به این سؤال باید پاسخ داد که در این قضایا به قانون ماهوی استناد شده است یا قواعد تعارض قوانین؟ دوم اینکه مرزبندی این دو قضیه با قضیه Ralli چگونه است؟

بی‌اعتباری قرارداد ناشی از انجام دادن عملی غیر قانونی ذیل قانون محل اجرای قرارداد یک قاعده حقوق قراردادی داخلی بریتانیا است (Mann, 1971: 158). از این رو در هر دو قضیه Ralli و Regazzoni قانون ماهوی مورد استفاده دادگاه قرار گرفته است. بنابراین، قواعد تعارض قوانین بریتانیا استفاده نشده است (Nygh, 1999: 224-225). البته برخی استدلال می‌کنند که حتی اگر قانون خارجی بر قرارداد حاکم باشد آن قاعده باید اعمال شود (Chong, 2006: 33; Carter, 1988: 154; Williams, 2013: 292; Regazzoni, 1958: 243; Carter, 1984: 125; Hartly, 2006: 193).<sup>۱</sup> تفسیر این آرا در چارچوب قاعده تعارض قوانین اصولاً بر دو شیوه مبتنی است. راه اول اعمال قانون محل (خارجی) اجرای قرارداد است که از منظر آن اجرای قرارداد به علت وجود هنجار امری مرجح خارجی غیر قانونی است. از سوی دیگر در قضیه Foster اعمال قانون خارجی مستثنا نشده است، بلکه در این قضیه مقرر شده است که در صورت نقض قانون کشوری که قرارداد در آنجا باید اجرا شود قانون خارجی با توجه به نزاکت بین‌المللی اعمال شود (Enonchong, 1996: 649). گفتنی است در چارچوب این رویکرد سیاست خارجی و نزاکت بین‌المللی در قالب نظم عمومی جنبه مثبت خود را به نمایش می‌گذارد. هرچند نزاکت بین‌المللی مانع از

1. Foster v Driscoll (at 241-42).



عدم اعمال قانون خارجی شده و متعاقباً از اعمال آن حمایت می‌کند (Enonchong, 1994: 650)، باید توجه کرد که پابندی به نزاکت بین‌المللی که می‌تواند منجر به افزایش میزان اعمال قانون خارجی توسط دادگاه و حفظ روابط دوستانه میان دولت‌ها شود تا جایی پیش نرود که موجب بی‌خاصیت شدن نظم عمومی دولت مقرر دادگاه شود (Enonchong, 1996: 658). در رویکرد استدلالی دوم به اعمال مقررات امری مرجح خارجی توجهی نمی‌شود، بلکه بر اساس آن نقض نظم عمومی انگلیس منجر به غیر قابل اجرا بودن این مقررات می‌شود (Collins, 2012: 102). نظم عمومی در اینجا عملکرد منفی خود را نمایان می‌کند. بر اساس این رویکرد اعمال مستقیم قواعد امری مرجح خارجی امکان‌پذیر نیست، بلکه در عوض این امکان برای دادگاه فراهم می‌شود که در فرایند رسیدگی به آن قواعد در چارچوب نظم عمومی بریتانیا توجه کنند. این بدان معناست که قراردادی که خلاف نظم عمومی است اگر منافع دولت بریتانیا را نقض کند یا روابط دوستانه میان بریتانیا و دیگر دولت‌ها را تهدید کند بی‌اعتبار است (Collins, 2012; 1875-1876).

در قضیه Regazzoni، مجلس اعیان برای اینکه بتواند ممنوعیت خارجی را در فرایند رسیدگی اعمال کند به نظم عمومی بریتانیا استناد کرد (Chong, 2006: 41). در آن قضیه ممنوعیت وضع شده از سوی هند به صورت مستقیم در فرایند دادرسی اعمال نشد، بلکه از آنجا که قرارداد برخلاف روح نزاکت بود و نظم عمومی بریتانیا را نقض می‌کرد مجلس اعیان آن ممنوعیت را در رأی خود اعمال کرد (Chong, 2006: 41) و در واقع اعمال هنجارهای امری مرجح خارجی در چارچوب نظم عمومی بریتانیا نمایان شد (Chong, 2006: 34).

با وجود این، هنجارهای امری مرجح کشورهای ثالث باید توسط دادگاه بریتانیایی به صورت مستقیم نیز در فرایند رسیدگی اعمال شوند و نباید صرفاً در چارچوب نظم عمومی بریتانیا مد نظر دادگاه قرار گیرند (Chong, 2006: 45-47). در این خصوص، برخی طرفدار اعمال مستقیم قواعد امری مرجح خارجی در فرایند رسیدگی هستند (Harris, 2009: 301) و استدلال‌ها متنوعی را در این خصوص ارائه کرده‌اند (Lalivie, 1987: 279). بر اساس این استدلال‌ها، رأی مجلس اعیان در قضیه Regazzoni جلوه‌ای از استناد به نظم عمومی فراملی بریتانیا بود. چون دادگاه بریتانیا حفاظت از نظم عمومی کشور بریتانیا را به عنوان مقرر دادگاه بر نظم عمومی دولت خارجی ارجح دانست. می‌توان در این خصوص دو خط سیر را در رویه قضایی بریتانیا شناسایی کرد؛ در یک سو قضایای Foster و Regazzoni و در سوی دیگر قضیه Ralli. دو قضیه Foster و Regazzoni در مورد قراردادهایی هستند که از ابتدا، یعنی از زمان انعقادشان، غیر قانونی بوده‌اند؛ در حالی که در قضیه Ralli طرف‌ها وارد رابطه قراردادی قانونی شده بودند، اما سپس آن به صورت ناگهانی غیر قانونی شد (Hartly, 2006: 243).

علاوه بر این دو قضیه Foster و Regazzoni از جهتی دیگر نیز از قضیه Ralli متمایز می‌شوند. در قضیه Ralli قرار بود قرارداد در کشوری اجرا شود که بر اساس قانون آن کشور اجرائی غیر قانونی بود؛ در حالی که در دو قضیه دیگر هدف واقعی و قصد طرف‌های قرارداد آن‌ها را ملزم می‌کرد که برای انجام دادن اقداماتی در یک کشور خارجی دوست تلاش کنند در شرایطی که آن اقدامات از منظر قانون آن کشور دوست غیر قانونی تلقی می‌شد. البته باید گفت که انجام دادن آن اقدامات در برخی موارد، حالات، یا مکان اجرای دیگر می‌توانست مجاز باشد.<sup>۱</sup> بنابراین، برای اعمال قاعده Ralli حتماً باید اقداماتی جهت اجرای قرارداد انجام شده باشد و صرف برداشتن گام‌های مقدماتی برای اجرای قرارداد توسط یکی از طرف‌های قرارداد کفایت نمی‌کند (Stone, 2014: 337). پس، می‌توان از قضایای Foster و Regazzoni در چارچوب نظم عمومی دولت مقرر دادگاه استفاده کرد. چون این‌گونه قراردادهای حفظ روابط حسنه بریتانیا با کشورهای خارجی دوست را مختل می‌کند (Collins, 2012: 1837). در سوی دیگر، قضیه Ralli صرفاً برای تفسیر قواعد قراردادی که تهدیدکننده روابط دوستانه میان بریتانیا و سایر کشورها است و متعاقباً نظم عمومی را نقض می‌کند استفاده نمی‌شود، بلکه برای بررسی غیر قانونی بودن قرارداد در محل اجرای آن مورد استفاد قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup>

با وجود این، نباید از شباهت‌های موجود میان این دو خط سیر در قضایای یادشده غافل شد. دادگاه استیناف بریتانیا بر این نظر است که دو خط سیر اشاره‌شده در سه قضیه مطروحه نزد دادگاه بریتانیا منشأ مشابه دارد و هر دو خط سیر در خصوص

1. Foster v Driscoll [1929] 1 KB 470, 521-22.

2. Foster v Driscoll [1929] 1 KB 470, 1837.

غیر قانونی شدن قراردادهای است (Ispahani, 1997: 124). همه آنها در مورد غیر قانونی شدن قرارداد ذیل قانون محل اجرای قرارداد هستند (Briggs, 2014: 615). تفاوت میان دو خط سیر زمانی مشخص می‌شود که به پیامدهای قانون ماهوی قرارداد توجه شود. با این حال، اگر به این آرا از منظر حقوق بین‌الملل نگریسته شود مشخص می‌شود که اصولاً این آرا با چالشی واحد، یعنی چگونگی اعمال قواعد امری مرجح قانون محل اجرای قرارداد، مواجه‌اند.

### قضایای Libyan Arab Foreign Bank

علاوه بر قضیه Regazzoni در قضایای Libyan Arab Foreign Bank نیز موضوع اعمال تحریم‌های اقتصادی خارجی مطرح بود. از آنجا که این آرا پیش از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون رم و تصویب آیین‌نامه رم صادر شده بودند، لازم است این قضایا در مورد اعمال ممنوعیت‌های خارجی نیز تفسیر شوند. در قضایای Libyan Arab Foreign Bank دادگاه‌های بریتانیا از رویکرد حل تعارض قوانین استفاده کردند و خود را درگیر این سؤال نکردند که آیا تحریم‌های ایالات متحده می‌تواند در سطح قانون ماهوی بریتانیا مورد توجه قرار بگیرد یا نه.

مثلاً در قضیه BankersTrust، از آنجا که ملاحظات مربوط به سیاست خارجی بریتانیا مطرح بود، قاضی پرونده ملاحظات مربوط به سیاست خارجی را با ظرافت خاصی از ارزیابی‌های حقوقی جدا و به حقوق بین‌الملل خصوصی توجه کرد. این قاضی بر آن بود که «کافی است بگوییم هیچ مانعی در قانون داخلی انگلستان در خصوص ممنوعیت انجام دادن معامله مد نظر وجود ندارد. بنابراین، موضوع اصلی در این قضیه مربوط به قواعد حل تعارض قوانین است که مشخص می‌کند چه زمان و به چه میزان به قانون نیویورک در مورد تعهدات قراردادی بانک‌ها در دادگاه‌های ما ترتیب اثر داده می‌شود» (Bankers, 1989: 728). در ادامه گفت: «صرف‌نظر از ملاحظاتی که می‌تواند طرف‌های این قضیه را تحت تأثیر قرار دهد، من بر آنم که عموماً بانک‌ها و معمولاً مشتریان اعمال قانون محلی را مد نظر قرار می‌دهند. بنابراین دلایل محکمی لازم است که بگوییم این قاعده کلی اعمال نمی‌شود. به نظر من در این قضیه چنین دلایل محکمی وجود ندارد» (Bankers, 1989: 747). نهایتاً دادگاه اعلام کرد که هرچند در این قضیه میان طرف‌ها یک قرارداد در خصوص دو حساب بانکی وجود دارد، باید میان قوانین قابل اعمال در خصوص آنها تفکیک قائل شد. بر اساس قانون محل حساب‌های بانکی، که لندن و نیویورک بودند، قانون بریتانیا بر بخشی و قانون نیویورک بر بخشی دیگر از قرارداد حاکم بود. دادگاه اعلام کرد در مورد حساب بانکی واقع در لندن قانون محل نگهداری از سپرده بانکی، یعنی قانون بریتانیا، بر قرارداد میان بانک و مشتری حاکم است. ذیل قانون بریتانیا، بانک فقط در دو حالت می‌توانست پرداخت وجه به مشتری را انجام ندهد؛ اول اینکه آن پرداخت وفق قانون مناسب قرارداد غیر قانونی می‌بود و دوم اینکه اجرای قرارداد شامل اقدامی غیر قانونی در محل اجرای قرار می‌شد.

دادگاه میان این پرونده و قضیه Regazzoni تفکیک قائل شد. در قضیه Regazzoni هدف و قصد طرف‌های قرارداد انجام دادن اقدامی در قلمرو دولت خارجی دوست بود که در واقع آن اقدام ذیل قانون آن کشور غیر قانونی تلقی می‌شد. اما در قضیه Bankers Trust هدف انجام دادن اقدامی غیر قانونی نبود، بلکه در این قضیه امکان اعمال اصل دیگر مشابه قضیه Ralli وجود داشت که بر اساس آن اگر اجرای قرارداد ضرورتاً شامل عملی غیر قانونی وفق قانون محل اجرا می‌شد، اجرای قرارداد توجیه‌پذیر می‌شد. نهایتاً دادگاه به نفع بانک لیبیایی رأی داد و تحریم‌های ایالات متحده را در رأی خود اعمال نکرد.

در قضیه Hanover وقایع مشابه و البته نه یکسان با قضیه اخیر بود و بنابراین نتایج آن نیز مشابه بود (Manufacturers, 1989; Manufacturers, 1988). با این حال برخلاف قضیه Bankers Trust دادگاه در این قضیه اعلام کرد که دو قرارداد مجزا وجود دارد که یکی مربوط به حساب بانکی در لندن و دیگری مربوط به حساب بانکی در نیویورک است. در آن قضیه قانون نیویورک بر حساب بانکی واقع در نیویورک حاکم بود. اما چون محل نگهداری از حساب و قانون مناسب قرارداد بریتانیا بود، امکان اعمال تحریم‌های امریکا بر حساب لندن وجود نداشت. بنابراین در این قضیه نیز تحریم‌های فراسرزمینی ایالات متحده در تصمیم‌گیری دادگاه اعمال نشد و تصمیمات دادگاه بدون اتکا به ملاحظات سیاست خارجی بر اساس رویکرد تعارض قوانین اخذ شدند. در آن قضیه قواعد تعارض قوانین بریتانیا اعمال شدند و ترتیب اثر دادن به قانون ایالات متحده به عنوان قانون خارجی توسط دادگاه

امکان‌سنجی نشد (Fuchs, 1990: 263). غیر قانونی شدن قرارداد ذیل قانون دولتی که ارز مورد استفاده در معامله ارز ملی آن دولت بوده است منجر به غیر قانونی شدن قرارداد ذیل قانون بریتانیا نمی‌شد (Fuchs, 1990: 264). همچنین در آن قضیه دادگاه ملاحظات و ارزش‌های سیاسی را به قواعد تعارض قوانین اولویت نداد. این ویژگی‌ها، که در این آرا شاهد آن هستیم، مؤید آن است که قطعیت قانونی برای بازیگران اقتصادی و بازار مالی لندن مهم است (Fuchs, 1990: 264). پذیرش اعمال تحریم‌های امریکا توسط دادگاه‌های بریتانیا در فرایند رسیدگی باعث می‌شد که سپرده‌گذاران از آن پس حساب‌های یورو-دلاری افتتاح و از آن‌ها استفاده نکنند. این وضعیت حتی منجر به این می‌شد که مشتریان سرمایه‌های خود را از چنین حساب‌هایی خارج کنند (Rutzke, 1988: 280). با این حال، چنین انتخابی توسط دادگاه‌های بریتانیا بیشتر از اینکه هم‌سو با حمایت از اهداف سیاستی خارجی دولت دیگر باشد، به نوعی یک انتخاب سیاسی به نفع منافع طرف‌های قرارداد بود (Fuchs, 1990: 264).

## نتیجه

بر اساس حقوق بین‌الملل خصوصی و پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون رم و آیین‌نامه رم، قاعده نظم عمومی به دادگاه‌های بریتانیا این امکان را داد تا از اعمال قوانین قابل اعمال خارجی خودداری یا قواعد مرجح قانون انگلیس را در فرایند رسیدگی اعمال کنند. هنجارهای امری مرجح خارجی نیز اگر بخشی از قانون مناسب قرارداد تلقی می‌شدند امکان اعمال داشتند. رویه قضایی بریتانیا نشان می‌دهد که قانون محل اجرای قرارداد، که اجرای قرارداد ذیل آن غیر قانونی است، در صورت غیر قانونی شدن غیر منتظره یا زمانی که قصد طرف‌های قرارداد انعقاد قراردادی باشد که از ابتدا غیر قانونی است، می‌تواند توسط دادگاه‌های بریتانیا مورد توجه قرار گیرد. در مورد اینکه این موضوع یک قاعده مربوط به قواعد تعارض قوانین است یا قانون ماهوی، توضیحات لازم داده شد. دادگاه بریتانیایی می‌تواند قواعد حل تعارض قوانین را بدون در نظر گرفتن قانون حاکم بر قرارداد اعمال کند. همچنین اگر موضوع مربوط به قاعده ماهوی باشد، قراردادی که بر اساس قانون محل اجرای قرارداد غیر قانونی باشد نزد دادگاه بریتانیایی قابل اجرا نیست. متعاقباً، قاعده Ralli به منزله یک قاعده در بستر حقوق قراردادی بریتانیا برای بری‌الذمه شدن یا تعلیق تعهدات قراردادی بر اثر غیر قانونی شدن ناگهانی قرارداد اعمال می‌شود. بر اساس رویه کامن‌لا، در برخی شرایط اگر محل اجرای قرارداد دولت خارجی باشد تحریم‌های اقتصادی آن دولت خارجی قابلیت اعمال توسط دادگاه را دارند. در قضایایی مثل قضیه Regazzoni که تحریم اقتصادی در آن‌ها مطرح است برخی اوقات دادگاه‌های بریتانیا به ملاحظات سیاست خارجی متوسل شدند و به تحریم‌های دولت خارجی دوست ترتیب اثر دادند؛ در حالی که در وضعیت‌های دیگر، همچون قضایای مربوط به Libyan Arab Foreign Bank، استدلال‌ات مربوط به سیاست خارجی کاملاً کنار گذاشته شدند و به تحریم‌های اقتصادی خارجی که به قانون قابل اعمال بر دعوا ارتباطی نداشتند ترتیب اثر داده نشد. همچنین بر اساس یافته‌های این پژوهش زمانی که دادگاه‌ها به قواعد کشور محل اجرای قرارداد ترتیب اثر می‌دهند به نزاکت مبتنی بر نظم عمومی نیز متوسل می‌شوند. علاوه بر این، مشاهده می‌شود که دادگاه‌های بریتانیا هنجارهای خارجی را با استناد به نظم عمومی بریتانیا و با تأکید بر ایده نزاکت موجود میان بریتانیا و دولت‌های خارجی دوست اعمال کرده‌اند. این رویکرد برخی اوقات منجر به ترتیب اثر دادن به هنجارهای امری مرجح خارجی از طریق نظم عمومی دولت محل استقرار دادگاه، یعنی بریتانیا، شده است. باید اشاره کرد که ارتباط این رویکرد و اینکه آیا پابندی به نزاکت بین‌المللی، به عنوان پدیده‌ای سیاسی، مد نظر قرار دادن قانون کشور ثالث را توجیه می‌کند یا نه همچنان محل سؤال است. در واقع این به نفع دولت محل استقرار دادگاه است که روابط دوستانه خود را با دیگر ملت‌ها حفظ کند که این امر مستلزم پذیرش هنجارهای امری مرجح خارجی است. همچنین دادگاه‌های بریتانیا به قواعد امری مرجح دولت محل اجرای قرارداد، زمانی که چنین قانونی اجرای قرارداد را غیر قانونی بداند، ترتیب اثر می‌دهند. زمانی که دادگاه‌ها در چارچوب ماده ۹(۳) کنوانسیون رم تصمیم می‌گیرند که آیا به قواعد امری مرجح خارجی ترتیب اثر بدهند یا ندهند این دادگاه‌ها می‌توانند به حفظ روابط دوستانه با دولت‌های خارجی، از جمله ملاحظات سیاست خارجی، همچون گذشته توجه کنند. در پایان می‌توان گفت دادگاه‌های بریتانیا در پرونده‌های مربوط به اختلافات قراردادی که در آن موضوع تحریم‌های وضع شده از سوی دولت خارجی مطرح است رویکرد واحدی اتخاذ نکرده‌اند و با توجه به ماهیت و وقایع هر پرونده رأی صادر کرده‌اند.

## منابع

## BOOK

- Azaredo da Silveira. (2014). *Trade Sanctions and International Sales*. Kluwer.
- Beaucillon Charlotte. (2021). *Research Handbook on Unilateral and Extraterritorial Sanctions*. London. Edward Elgar .
- Briggs Adrian. (2013). *The Conflict of Laws*. 3<sup>rd</sup> edn. London. Oxford University Press.
- Briggs Adrian. (2014). *Private International Law in English Courts*. London. Oxford UP.
- Brunner CJH. (2008). *Force Majeure and Hardship under General Contract Principles: Exemption for Nonperformance in International Arbitration*. Kluwer Law International.
- Carter Peter Basil. (1984). 'Rejection of Foreign Law: Some Private International Law Inhibitions' in Ian Brownlie and DW Bowett 55. *British Yearbook of International Law*.
- Collins Lawrence. (2012). *Dicey, Morris & Collins on the Conflict of Laws*. 15<sup>th</sup> edn. Vol. 1. Sweet & Maxwell.
- Dicey Albert Venn. (1908). *A digest of the law of England with reference to the conflict of laws*. 2<sup>nd</sup> edn. London. Stevens and Sons.
- Fuchs Angelika. (1990). *Freigabe libyschen Vermögens in England trotz US-Einfrierungsbeschluss*. Bielefeld. IPRax.
- Gold Joseph. (1989). *The Fund Agreement in the Courts*. Vol. 4. IMF.
- Graveson Ronald Harry. (1974). *Conflict of Laws*. 7<sup>th</sup> edn. Sweet & Maxwell.
- Harris Jonathan. (2009). 'Mandatory Rules and Public Policy under the Rome I Regulation' in Franco Ferrari and Stefan Leible (eds). *Rome I Regulation*, Sellier.
- Hartley C. Trevor. (2006). 'The Modern Approach to Private International Law: International Litigation and Transactions from a Common-Law Perspective' in *Collected Courses of the Hague Academy of International Law*. Vol. 319. Nijhoff.
- Kinsch Patrick. (1994). *Le fait duprince étranger*'. LGDJ .
- Kuckein Mathias. (2008). *Die 'Berücksichtigung' von Eingriffsnormen im deutschen und englischen internationalen Vertragsrecht*. Mohr Siebeck.
- Kunda Ivana. (2007). *International Mandatory Rules of a Third Country in European Contract Conflict of Laws: The Rome Convention and the Proposed Rome I Regulation*. Rijeka Law Faculty.
- Lalivie Pierre. (1987). 'Transnational (or Truly International) Public Policy and International Arbitration' in Pieter Sanders (ed) *Comparative Arbitration Practice and Public Policy in Arbitration*. ICCA Congress Series. Vol. 3. New York. Kluwer
- Nygh Peter. (1999). *Autonomy in International Contracts*. Clarendon.
- Stone Peter. (2014). *EU Private International Law*. 3<sup>rd</sup> edn. London. Edward Elgar.
- Szabados Tamás. (2020). *Economic Sanctions in EU Private International Law*. London. Bloomsbury Publishing.
- ARTICLES 'Note: Extraterritorial Subsidiary Jurisdiction' (1987). *50 Law & Contemp Probs* (pp. 71-93). <https://doi.org/10.2307/1191664>.
- Briggs Adrian. (2002). 'Public Policy in the Conflict of Laws: A Sword and a Shield?' *6 Singapore Journal of International & Comparative Law* (pp. 953-979). <https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/singa6&div=30&id=&page=> (Access 04/19/2022).
- Burdeau Geneviève. (1997). 'Legel d'avaors étrangers' *124 Journal du droit international* 5, [https://www.persee.fr/doc/afdi\\_0066-3085\\_1997\\_num\\_43\\_1\\_3490](https://www.persee.fr/doc/afdi_0066-3085_1997_num_43_1_3490) (Access 04/19/2022).
- Carter Peter Basil. (1993). 'The Role of Public Policy in English Private International Law' *42 ICLQ* 1, 4-5 (pp. 1-10). <https://www.jstor.org/stable/761163> (Access 04/19/2022).
- Chong Adeline. (2006). 'The Public Policy and Mandatory Rules of Third Countries in International Contracts'. *2 Journal of Private International Law* (pp. 27-70). <https://doi.org/10.1080/17536235.2006.11424301>.
- Cranston Ross. (1987). 'The Libyan Arab Foreign Bank Case'. *Journal of Business Law* 499 (pp. 499-504).
- Enonchong Nelson. (1996). 'Public Policy in the Conflict of Laws: A Chinese Wall around Little England?'. *45 ICLQ* 633 (pp. 633-661). <https://www.jstor.org/stable/760684>, (Access 04/19/2022).
- Gavalda Christian. (1979). 'L'efficacité juridique en France de l'executive order du président Carter "gelant" les avoors ofciels iraniens?'. *Gazette du Palais* 18 décembre 1979 (pp. 2-3). <https://www.gazette-du-palais.fr/12156479816187878> (Access 04/19/2022).
- James Simon. (2008). 'Rome I: Shall We Dance?'. *2 Law and Financial Markets Review* (pp. 113-122). <https://doi.org/10.1080/17521440.2008.11427949>.
- Lowe A Vaughan. (1988). 'Extraterritorial Jurisdiction, The British Practice. *52 Rabels Zeitschrift für ausländisches und internationales Privatrecht* (1988) 157-204, p. 179 (concerning the UK).

- Lowe A Vaughan. (1988). 'Freezing Foreign Bank Accounts – Libyan Arab Foreign Bank v Bankers Trust Co'. *Lloyd's Maritime and Commercial Law Quarterly*, 1 (pp. 38-45). [https://books.google.com/books/about/Lloyd\\_s\\_Maritime\\_and\\_Commercial\\_Law\\_Quar.html?id=wYoTAAAYAAJ](https://books.google.com/books/about/Lloyd_s_Maritime_and_Commercial_Law_Quar.html?id=wYoTAAAYAAJ), (Access 04/19/2022).
- Mann Frederick Alexander. (1937). 'Proper Law and Illegality in Private International Law'. *John Fischer Williams and AD McNair* (eds), 18 *British Yearbook of International Law* 97. <https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/byrint18&div=9&id=&page=> (Access 04/19/2022).
- Mann Frederick Alexander. (1958). 'Illegality and the Conflict of Laws'. *21 Modern Law Review* 180 (pp. 130-137). <https://www.jstor.org/stable/i245536> (Access 04/19/2022).
- Mann Frederick Alexander. (1971). 'Conflict of Laws and Public Law' in *Collected Courses of the Hague Academy of International Law – 1971*, Vol. 132, Sijthoff. [http://dx.doi.org/10.1163/1875-8096\\_pplrdc\\_A9789028600522\\_02](http://dx.doi.org/10.1163/1875-8096_pplrdc_A9789028600522_02) (Access 04/19/2022).
- Richard Williams. (2013). 'The Impact of Sanctions on Charterparty Operations'. *19 Journal of International Maritime Law* 290 (pp. 3-17). <https://www.lawtext.com/publication/the-journal-of-international-maritime-law/contents/volume-19/issue-4> (Access 04/19/2022).
- Rutzke R. Corinne. (1988). 'The Libyan Asset Freeze and its Application to Foreign Government Deposits in Overseas Branches of United States Banks: Libyan Arab Foreign Bank v Bankers Trust Co'. *3 American University International Law Review* (pp. 241-282). <https://digitalcommons.wcl.american.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1622&context=auilr> (Access 04/19/2022).
- Trevor C Hartley. (1998). 'Mandatory Rules in International Contracts: The Common Law Approach' in *Collected Courses of The Hague Academy of International Law. Vol. 266 – 1997, Martinus Nijhoff*. [http://dx.doi.org/10.1163/1875-8096\\_pplrdc\\_A9789041105905\\_02](http://dx.doi.org/10.1163/1875-8096_pplrdc_A9789041105905_02), (Access 04/19/2022).
- Urech Daniel. (1988). 'Eurodollar Deposits and Freezing Orders: The Libyan Assets Case Revisited'. *Journal of International Banking Law* 269 (pp. 269–273). [shorturl.at/diBS8](http://shorturl.at/diBS8) (Access 04/19/2022).

## CASES

- Boissevain v Weil [1950] AC 327 (Boissevain, 1950).
- British Nylon Spinners v Imperial Chemical Industries [1955] Ch 37 (Nylon, 1955).
- Ertel Bieber Co v Rio Tinto Co Ltd [1918] AC 260 (Ertel, 1918).
- Euro-Diam Ltd v Bathurst [1987] 2 All ER (Bathurst, 1987).
- Foster v Driscoll [1929] 1 KB 470 (Foster, 1929).
- Ispahani v Bank Mellī Iran (1997) *The Times*, 29 December, [1997] Lexis Citation 4800, [1997] All ER (D) 124 (Ispahani, 1997).
- Kahler v Midland [1950] AC 24 (Kahler, 1950).
- Kleinwort, Sons and Company v Ungarische Baumwolle Industrie Aktiengesellschaft and Another [1939] (Kleinwort, 1939).
- Kuwait Airways Corporation v Iraqi Airways Company and Others [2002] UKHL (Kuwait, 2002).
- Libyan Arab Foreign Bank v Bankers Trust [1989] QB (Bankers, 1989).
- Libyan Arab Foreign Bank v Manufacturers Hanover Trust Co (No 2), QB (Com Ct) [1989] 1 Lloyd's Law Reports (Manufacturers, 1989).
- Libyan Arab Foreign Bank v Manufacturers Hanover Trust Co, QB (Com Ct) [1988] 2 Lloyd's Law Reports (Manufacturers, 1988).
- New Zealand v Ortiz and Others [1982] QB (Ortiz, 1982).
- R v International Trustee for the Protection of Bondholders Aktiengesellschaft [1937] AC 500 (Bondholders, 1937).
- Ralli Bros v Compania Naviera Sota y Aznar [1920] 2 KB 287 (Ralli, 1920).
- Re-Claim by Helbert Wagg & Co Ltd [1956] 2 WLR 183, [1956] Ch 323. (Helbert, 1956)
- Regazzoni v Sethia [1958] AC 301 HL (Regazzoni, 1958).
- Zinovstenska Banka National Corporation v Frankman [1950] AC 57, 79 (Zinovstenska, 1950).

## OTHER

- Executive Order 12544 of 8 January 1986, FR 1235, 3 CFR, 1986 Comp.
- Executive Order No 12170 of President Carter of 14 November 1979, 44 FR 65729.
- Gabriel Felbermayr, Aleksandra Kirilakha, Constantinos Syropoulos, Erdal Yalcin, Yoto Yotov, The 'Global Sanctions Data Base': Mapping international sanction policies from 1950-2019, 18 May 2021.
- President District Court, (1982), *The Hague*. 17, September 1982, 22 *International Legal Materials*.